

# مولوی، پیام‌آور همزیستی دوستانه انسانها

## با فرهنگهای گوناگون

دکتر حسین فرهادیان



نشان: دکتر نینا رهشناس

چراغ‌های متعدد در نظر می‌گیرد که گرچه چراغ‌ها هر یک جدا و مستقل هستند ولی ذات آنها که نور است صفت مشترک آنهاست و در این مورد چنین می‌گوید:

ده چراغ از حاضر آید در میان

هر یکی باشد به‌صورت غیر آن

فرق نتوان کرد نور هر یکی

چون بنورش روی آری بی‌شکی

هم‌چو آن یک نور خورشید سما

صد شود نسبت به صحن خانه‌ها

لیک یک باشد همه انوارشان

چون‌که برگیری تو دیوار از میان

برای ظهور صفت ذاتی مشترک انسان‌ها برای پیوستگی، مولوی از

میان برداشتن موانع را پیشنهاد می‌کند که همان پندارهای تعصب‌آمیز و

خودخواهانه است و در این مورد چنین می‌گوید:

یک گهر بودیم، هم‌چون آفتاب

بی‌گره بودیم و صافی هم‌چو آب

چون به‌صورت آمد آن نور سره

شد عدد چون سایه‌های کنگره

کنگره ویران کنید از منجریق

تا رود فرق از میان این فریق

■

مولوی در آثار خود غالباً از وصل سخن می‌گوید و از هر چه بوی فراق آید گریزان است و می‌گوید:

تو برای وصل کردن آمدی  
وز این رو هر سخن که در آن نشان دوری و بیگانگی باشد نزد مولوی  
نفس سرد خزانگی است و موجب ملال خاطر است و هر سخن که از آن  
بوی دوستی و یگانگی آید نفس مشک بیز بهاری است و باید مشام جان  
را با آن عطرآگین ساخت.

مولوی می‌گوید بد مطلق در جهان وجود ندارد و فرقه‌های مختلف انسان‌ها نباید معتقدات یکدیگر را به‌طور مطلق گمراه کننده و نادرست بدانند و موجب تفرقه و جدائی را فراهم کنند و در این مورد چنین می‌گوید:

پس مگو کاین جمله دین‌ها باطلند

باطلان بر بوی حق دام دلند

این حقیقت دان نه حقند دین همه

نی بکلی گمراهانند این همه

پس مگو جمله خیال است و ضلال

بی حقیقت نیست در عالم خیال

آن‌که گوید جمله حق است احمقی است

و آن‌که گوید جمله باطل اوشقی است

چون‌که حق و باطلی آمیختند

نقد و قلب اندر چرمندان ریختند

پس محکمی بایش بگزیده‌های

در حقایق امتحان‌ها دیده‌های

ما شود فاروق این تزویرها

تا بود دستور این تغییرها

پس بد مطلق نباشد در جهان

بد به نسبت باشد این را هم بدان

در زمانه هیچ زهر و قند نیست

که یکی را یادگر را بند نیست

زهر ماران ما را باشد حیات

نسبتش با آدمی باشد مامت

خلق آیی را بود دریا چو باغ

خلق خاکی را بود آن مرگ و داغ

مولوی معتقد است که در ذات همه‌ی انسان‌ها یک صفت مشترک

یگانگی وجود دارد ولی این صفت ذاتی با پرده‌های از نیمی معتقدات

تعصب‌آمیز و پندارهای خودخواهانه پوشیده شده است. مولوی گاهی این

صفت مشترک ذاتی را به نور تشبیه می‌کند و انسان‌ها را به صورت